

بررسی واکنش شاعران مکتب بازگشت به پدیده جنگ ایران و روس

رضا قنبری عبدالملکی^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دامغان

(از ۱۷۳ تا ۱۹۲)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۷/۶، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۶/۳۱

چکیده

وقوع جنگ ایران و روس، شعر عصر قاجار را به تجربه‌ای جدید در ورود به مسائل اجتماعی-سیاسی و واکنش به حوادث مهم عصر واداشت. این جنگ‌های خونین و طولانی که در نیمه اول قرن سیزدهم هجری روی داد، برخی از شاعران این دوره را که در چارچوب مکتب «بازگشت ادبی» فعالیت می‌کردند، به واکنش واداشت. بررسی این واکنش‌ها، به دسته‌بندی دو گروه از شاعران بزرگ این عهد انجامید: ۱. شاعران «جامعه‌گرا»، همچون میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام و نشاط اصفهانی که علاوه بر شاعری، از سیاستمداران بزرگ ایران نیز بوده و با نگاه تحلیلی به پدیده جنگ نگرستانه‌اند؛ همچنین شاعرانی چون صبای کاشانی، مجمر اصفهانی، خاوری شیرازی و عبدالرزاق بیک دنبلی که گرچه قصاید زیادی در مدح شاه و شاهزادگان قاجار سروده‌اند، به وقایع جنگ و مسائل جاری کشور نیز بی‌توجه نبوده‌اند؛ ۲. شاعران «غیرجامعه‌گرا» همچون سحاب اصفهانی و وصال شیرازی که در فضای ملت‌پسند کشور، صرفاً کارشان ترتیب چند لفظ و به‌هم‌بافتن چند مصراع در مدح کسان بود. نگارنده در این جستار می‌کوشد تا با مطالعه آثار و دیوان‌های شعری مکتب بازگشت، واکنش آنها را به جنگ ایران و روس بکاود و بازتاب این واقعه بزرگ را در اشعارشان بررسی کند.

واژه‌های کلیدی: مکتب بازگشت، جنگ ایران و روس، قفقاز، عباس میرزا، فتحعلی شاه.

۱. مقدمه

در پی انعقاد عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای، مناطق وسیعی از سرزمین‌های قفقازی ایران به دولت روسیه واگذار شد و این مسئله، ساکنان آن نواحی را سرخورده و ناامید کرد. پس از اشغال این مناطق، دو گروه از طبقات جامعه ایران با ورود به عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، واکنش‌هایی از خود نشان دادند: ۱. روحانیان و مراجع بزرگ شیعه که با صدور فتاوی جهادی، مردم و سربازان را به مقابله با کفار روس تحریض می‌کردند؛ ۲. شاعران پارسی‌گو که علاوه بر حضور در جبهه‌ها، به منظور تقویت روحیه سربازان ایرانی، دلاوری و جانبازی آنان را در آثار خود توصیف می‌کردند.

وعده‌های دروغین و خیانت دولت‌های فرانسه و انگلیس در جریان جنگ‌های ایران و روس، سپاه فتحعلی‌شاه را به تدریج در ورطه شکست قرار داد و ضرورت ورود نیروهای مردمی به جنگ، بیش از پیش احساس شد. آن‌گونه که تاریخ این جنگ‌ها نشان می‌دهد، توده‌های مردم برای صیانت از آب و خاک و آیین خود در مقابل ارتش منظم و قدرتمند روسیه تزاری ایستادگی کردند و حماسه‌های بزرگی در جبهه‌های قفقاز و آذربایجان آفریدند. بی‌شک بیانیه‌های جهادی علمای شیعه و اشعار میهنی شاعران این دوره، از عوامل مهم در برانگیختن احساسات توده‌ها بود.

طی جنگ‌های ایران و روس، نوع جدیدی از مضامین شعری در مکتب بازگشت ادبی پدید آمد که بیانگر پایداری در برابر تجاوزات بیگانه بود. شعرای این مکتب گرچه پای خود را از تقلید پیشینیان فراتر نگذاشتند، کسانی چون خاوری و صبا و مجمر بودند که در مواجهه با پدیده‌های شوم جنگ و اشغال‌گری، مضامین تازه‌ای به شعر خود وارد کردند. گفتنی است بیشتر شعرهایی که این شاعران در توصیف وقایع جنگ سروده‌اند، در قالب‌های قصیده و مثنوی است.

این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که جنگ ایران و روس و اشغال سرزمین‌های شمال غربی ایران، چه تأثیری بر شعر عصر قاجار گذاشت و شاعران مکتب بازگشت چه واکنشی نسبت به این پدیده از خود نشان دادند؟ روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است و اغلب مطالب، از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

بررسی واکنش شعر عصر قاجار به واقعه جنگ ایران و روس، یکی از مباحث مهمی است که برخی از پژوهشگران تاریخ و ادبیات ایران به آن پرداخته‌اند، لیکن ضرورت بررسی آن همچنان احساس می‌شود. برای نخستین بار، هدایت‌الله بهبودی در سال ۱۳۷۱ در کتاب *کم‌حجم ادبیات در جنگ‌های ایران و روس* این موضوع را بررسی کرد و پس از وی، عبدالرضا سیف و محمد طاهری خسروشاهی در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۸، به ترتیب در کتاب‌های *ادبیات پایداری در جنگ‌های ایران و روس* و *فصل‌های تاریکی* این موضوع را کنکاش کردند، اما آثارشان در مقایسه با اثر بهبودی، حاوی نکته تازه‌ای نبود. غیر از کتاب‌های مزبور، آثار دیگری هم وجود دارد که اختصاصاً به انعکاس وقایع جنگ ایران و روس در شعر عصر قاجار نپرداخته، اما تاریخ این جنگ‌ها را بررسی کرده‌اند که از جمله آنها *تاریخ جنگ‌های روسیه و ایران* (براتی فریزه‌ندی، ۱۳۸۷) و *روایت ایرانی جنگ‌های ایران و روس* (آبادیان، ۱۳۸۱) است. مقاله‌ای نیز با عنوان «نقش علماء در پیدایش ادب جهادی» (سیف، ۱۳۸۲) در دسترس است که تأثیر بیانیه‌های جهادی روحانیان شیعه را بر جنگ‌های ایران و روس بررسی کرده است.

۱. جنگ‌های ایران و روس

۲-۱. دوره اول جنگ‌های ایران و روس و توجه فتحعلی‌شاه به دولت‌های فرانسه و

انگلستان

اگرچه اندیشه تصرف ایران و تجاوز به مرزهای شمالی کشور به عنوان یکی از اهداف راهبردی روسیه در آسیای غربی، در روزگار پتر کبیر و اواخر عهد صفوی شکل گرفته بود، در اوایل حکومت فتحعلی‌شاه تحولات داخلی قفقاز و بی‌تدبیری سیاستمداران دولت قاجار، روسیه را برای حمله به ایران گستاخ‌تر کرد. در سال ۱۲۱۵ ق/ ۱۸۰۰م، پُل، تزار روسیه، طی فرمانی رسماً گرجستان را جزئی از امپراتوری این کشور اعلام و دستور تصرف آن را صادر کرد، اما بعد از این فرمان کشته شد. جانشین او، فرزندش الکساندر اول، با فرمان دیگری گرجستان را در ۱۲۱۶ ق/ ۱۸۰۱م، به یکی از ایالات

روسیه تبدیل کرد و در نتیجه، با اشغال تفلیس و غلبه کامل روس‌ها بر آنجا حکومت محلی گرجستان از میان رفت (محمود، ۱۳۵۳: ۴۶).

با سقوط حکومت محلی گرجستان، روس‌ها هجوم گسترده‌ای را به قفقاز آغاز کردند. ژنرال سیسیانف، فرمانده سپاهیان روس، در ژانویه ۱۸۰۴ م / شوال ۱۲۱۸ ق، گنجه را تسخیر کرد و به کشتار وسیعی دست زد (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۸۲ و سپهر، ۱۳۷۷: ۱۲۴). بعد از فتح گنجه و پیشروی قوای روسیه، حاکم ایروان با سیسیانف از در سازش درآمد و خواست تا شهر را به روس‌ها تسلیم کند.

خبر سقوط گنجه و تسلیم ایروان و قراباغ در دربار قاجار غوغایی برانگیخت. عباس‌میرزا در ۲۷ ذیحجه ۱۲۱۸ ق، روانه آذربایجان شد و نیروهای محلی و قبایل آن نواحی را بسیج کرد (فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۵-۱۶). هم‌زمان با تهاجم روس‌ها به قفقاز، هریک از قدرت‌های مهم دنیای آن روز، یعنی انگلستان، روسیه و فرانسه هدف خاص خود را دنبال می‌کرد و ایران به سبب موقعیت جغرافیایی و همسایگی با هندوستان، درگیر رقابت‌های این سه کشور اروپایی شده بود. در دسته‌بندی بین این قدرت‌ها، انگلستان و روسیه به هم نزدیک‌تر بودند و فرانسوی‌ها با هر دو کشور خصومت داشتند. در این شرایط و هنگامی که جنگ‌های ایران و روسیه به شدت در جریان بود، سیاست خارجی ناپلئون، دربارهای فرانسه و ایران را به هم نزدیک کرد. فتحعلی‌شاه هم که برای مقابله با دست‌اندازی روسیه تزاری به خاک ایران، در صدد جلب متحد و قدرتی خارجی بود، با ارسال نامه‌ای به وی خواستار اتحاد با فرانسه شد (بیانی، ۱۳۱۷: ۲۸). ناپلئون پس از دریافت این نامه در آخر شوال ۱۲۱۹ / ژانویه ۱۸۰۵ بلافاصله ژوبر، مترجم و منشی دربار خود را به ایران فرستاد تا پاسخ نامه فتحعلی‌شاه را ابلاغ کند. از ژانویه تا می ۱۸۰۷ / ۱۲۲۲ هج، سفرا و نمایندگان زیادی از طرف ناپلئون با نامه‌های پی‌درپی به دربار ایران فرستاده شدند (همان: ۳۱). این سفرا چنان فتحعلی‌شاه را به وعده‌های ناپلئون امیدوار کردند که او در همین ایام، تقاضای صلح دولت روسیه را نپذیرفت و میرزا رضا قزوینی را به عنوان سفیر دولت ایران روانه فرانسه کرد. میرزا رضا در چهارم می ۱۸۰۷ / صفر ۱۲۲۲ در قلعه فین‌کنشتاین، عهدنامه‌ای را بین دولت‌های ایران و

فرانسه به امضا رساند که به عهدنامه «فین کنشتاین» معروف شد. پس از عقد این قرارداد، هیئتی فرانسوی به ریاست ژنرال گاردان برای آموزش سپاه قاجار و تهیه مقدمات حمله به هندوستان، به ایران اعزام و در ۱۲ رمضان ۱۲۲۲ به تهران وارد شد. کمی بعد از امضای قرارداد فین کنشتاین، ناپلئون در فریدلاند روس‌ها را به سختی شکست داد و پس از ملاقات با تزار الکساندر اول در تیلسیت، معاهده‌ای با روسیه در جولای ۱۸۰۷ / ربیع‌الثانی ۱۲۲۲ منعقد کرد (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۷۹: ۲۱۴). عهدنامه تیلسیت بار دیگر دسته‌بندی‌های سیاسی اروپا را تغییر داد؛ روسیه و فرانسه به طور موقت به هم نزدیک شدند و انگلستان در برابر هر دو کشور قرار گرفت. امضای این قرارداد، بر روابط خارجی ایران نیز تاثیر مهمی نهاد و باعث شد تا از اتحاد با فرانسه ناامید و به اتحاد با انگلستان متمایل شود. اگرچه ناپلئون، ایران را در جنگ با روسیه تنها گذاشت، دوستی آن دو کشور نیز چندان نپایید و دوران اتحاد این دو امپراتوری با هجوم نافرجام ناپلئون به روسیه در ۲۴ ژوئن ۱۸۱۲ / جمادی‌الثانی ۱۲۲۷ پایان یافت (غفاری، ۱۳۷۸: ۱۲۴).

حمله ناپلئون به روسیه، موجب سراسیمگی دولتمردان این کشور شد؛ لذا فرمانده نیروهای روسی مداخله سرگوراولی، سفیر دولت انگلستان را در تهران خواستار شد (وقایع‌نگار، ۱۳۶۹: ۲۱۱). در این زمان، انگلستان نیز با ناپلئون می‌جنگید و به حمایت از روسیه در برابر فرانسه متعهد بود. سرگوراولی که در پی تحقق هدف دولت متبوعش، مبنی بر واداشتن روس‌ها به تخلیه سپاه خود از مناطق جنوبی برای مقابله با ناپلئون بود، دولت وقت ایران را برای پذیرش صلح با روسیه زیر فشار قرار داد. عباس‌میرزا با پیشنهاد صلح مخالفت کرد و با اصرار او جنگ ادامه یافت، تا اینکه در ۱۲۲۸ هـ.ق، در «اصلاندوز»، سپاه ایران از قوای روسیه به سختی شکست خورد و نایب‌السلطنه ناچار به تبریز عقب‌نشینی کرد. در نتیجه شکست اصلاندوز و زیر فشار سیاسی دولت انگلستان، زمامداران ایران چاره‌ای نداشتند، جز اینکه به مذاکرات صلح بیندیشند (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۰: ۸۳-۸۴). به‌این‌ترتیب، دوره نخست جنگ‌های ایران و روس بعد از ده سال پایداری ایرانیان پایان یافت و به‌سبب خیانت دولت‌های فرانسه و انگلستان، معاهده

گلستان در ۲۹ شوال ۱۲۲۸ به دولت ایران تحمیل شد. به موجب این عهدنامه شهرهای دربند، باکو، شروان، قراباغ و قسمتی از تالش از خاک ایران جدا و به روسیه منضم شد، و دولت ایران از هرگونه ادعایی درباره گرجستان، داغستان و ابخازی صرف نظر کرد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۹: ۲۲۳).

۲-۲. دوره دوم جنگ‌های ایران و روس و توجه فتحعلی‌شاه به نیروهای داخلی

عامل اصلی آغاز دوره دوم جنگ‌های ایران و روس (۱۲۴۱-۱۲۴۳ هج) را باید در مفاد قرارداد گلستان و تفسیر متفاوت هرکدام از طرف‌های معاهده از آن دانست. انگلستان برای ترغیب فتحعلی‌شاه به پذیرش صلح وعده داده بود که دولت روسیه تزاری ایالت‌های از دست‌رفته را به ایران مسترد خواهد کرد؛ لذا عباس‌میرزا و رجال سیاسی ایران، گلستان را قرارداد متارکه‌ای می‌دانستند که با پایان‌بخشی به نبرد، امکان مذاکره درباره مرزها و استرداد سرزمین‌ها را به دو طرف می‌داد. به همین منظور بعد از پایان جنگ، دربار ایران به‌طور مکرر سفرایی به روسیه فرستاد تا با یادآوری وعده انگلیسی‌ها و ژنرال رادیشچف (Radishchev)، نماینده روسیه در قرارداد گلستان، زمینه را برای استرداد بخشی از مناطق از دست‌رفته، به‌ویژه نواحی شیعه‌نشین قفقاز فراهم کنند، اما روس‌ها نه تنها حاضر به پس‌دادن سرزمین‌های متصرفی نشدند، بلکه بعضی از مناطقی هم که براساس معاهده مزبور متعلق به ایران بود، اشغال کردند. در نتیجه، دولت‌مردان قاجار که خود را بازنده معاهده گلستان می‌دانستند و از دست‌رفتن مناطق مسلمان‌نشین قفقاز را سبب کاهش مشروعیت خود در بین مردم و روحانیان ایران می‌دانستند، زمینه را برای جنگی دیگر با روس‌ها فراهم کردند (دهقان‌نژاد، ۱۳۹۰: ۵۲).

فتحعلی‌شاه که در دوره نخست جنگ، به سبب خیانت دولت‌های فرانسه و انگلیس از آنها به کلی ناامید شده بود، در دوره دوم این جنگ‌ها دست نیاز به سوی نیروهای داخلی و مراجع مذهبی دراز کرد. وی برای اینکه نبرد فرارو را از جنگ بین دربارهای ایران و روسیه بالاتر ببرد و آن را نبرد عقیدتی اسلام علیه کفار جلوه دهد و از این طریق،

حمایت کامل نخبگان و توده‌های مردم را به دست آورد، درصدد برآمد تا پای روحانیان را به این جنگ‌ها بکشاند.

معاهده گلستان که سرنوشت مردم مسلمان قفقاز را به دولت مسیحی تزاری واگذار کرده بود، از جانب علمای مذهبی ایران به شدت مورد انتقاد قرار گرفت و فکر اعلام جهاد مطرح شد. ظلم و اجحاف روس‌ها در حق مسلمانان قفقاز، عامل مهمی شد تا فتحعلی‌شاه و عباس‌میرزا با استفاده از آن، پای مراجع دینی را به صحنه کشانیده و علمای بزرگ، از جمله سید محمد مجاهد طباطبایی با صدور فتاوی جهادی، زمینه آغاز دوره دوم جنگ ایران و روس را فراهم کردند (حسینی شیرازی، ۱۳۸۰: ۶۱۲). با گسترش اندیشه جهاد، برخی از شاعران و نویسندگان آن عهد نیز دولتمردان قاجار را به این امر برانگیختند، چنان‌که میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام در قصیده «موعظه به نایب‌السلطنه...» با اشاره به مرگ تزار الکساندر اول، عباس‌میرزا را به جهاد با روس‌ها تشویق کرد:

گر روس به کین خیزد چون سد سکندر باش ور روبهی آغازد با حمله ضیغم باش
سرباز و سوار اول از خیل عجم بگزین پس عزم جهاد روس، جزم آر و مصمم باش
غوغاست به روس اندر، از مرگ الکساندر این خیل و حشر تا حشر گو در غم و ماتم باش
(فراهانی، ۱۳۶۶: ۹۶-۹۷)

۳. وضعیت شعر فارسی در دربار فتحعلی‌شاه قاجار

آقامحمدخان، مؤسس سلسله قاجار، به دلیل اشتغال به جنگ، فرصتی برای تشویق شعرا و سخن‌سرایان نداشت؛ اما جانشین او، فتحعلی‌شاه، دربار باشکوهی در تهران بنا کرد و بر آن شد که زندگانی دربارهای پر عظمت روزگار باستان را تجدید کند. او که خود از شاعری بی‌بهره نبود و غزلیات بسیاری از وی با تخلص «خاقان» برجای مانده است، شعرا را بسیار می‌نواخت و صله‌های فراوان به آنان می‌بخشید. بدین ترتیب، صدها شاعر قصیده‌گو و غزل‌سرا به امید نزدیک شدن به مرکز قدرت و دریافت صله و لقب ملک‌الشعرا، از هر سو پیرامون شاه گرد آمدند و انجمنی به نام «انجمن خاقان» تشکیل دادند (آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۱۵). از میان این شعرا، چند شاعر مستعد و با قریحه مانند سحاب، مجمر، صبا، نشاط و وصال برخاستند.

۴. دسته‌بندی واکنش شاعران مکتب بازگشت، نسبت به پدیده جنگ

وقوع جنگ ایران و روس، شعر عصر قاجار را به تجربه‌ای جدید در ورود به مسائل اجتماعی - سیاسی و واکنش به رویدادهای مهم عصر واداشت؛ به طوری که شاعران این دوره را از این نظر می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد:

۱. شعری چون نشاط اصفهانی و قائم‌مقام فراهانی که علاوه بر شاعری، از سیاستمداران بزرگ آن عهد نیز بوده و در بحبوحه جنگ ایران و روس، نقش مهمی در کارزار دیپلماتیک ایران با دولت‌های قدرتمند اروپایی داشتند. این سیاستمداران شاعرپیشه که از نزدیک با جبهه‌های نبرد در ارتباط بودند، علاوه بر ستایش مجاهدان ایرانی، گاهی در مقابل ضعف سامانه دفاعی و کارشکنی مزدوران استعمار در کشور، زبان به انتقاد می‌گشودند. واکنش‌های مدبرانه میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام در طی جنگ‌های ایران و روس، از او چهره‌ای شاخص و متعهد در شعر میهنی عصر قاجار ساخته است.

۲. شعری چون مجمر اصفهانی و میرزا تقی صاحب‌دیوان که به جنگ ایران و روس، و اشغال بخشی از خاک کشور، واکنشی کاملاً فرمایشی داشته و گویا فقط برای جلب رضایت دربار فتحعلی‌شاه، به بیان اشاراتی کوتاه و پراکنده در باب وقایع نبرد بسنده کرده‌اند.

۳. شعری چون فتحعلی‌خان صبا، خاوری شیرازی و عبدالرزاق بیگ دنبلی که اساساً وقایع‌نگار بوده و صحنه‌های جنگ و پایداری سربازان ایرانی را با دقت توصیف کرده‌اند. آثار این دسته از شاعران مکتب بازگشت که انباشته از توصیف و گزارش و ماده تاریخ است، از مضامین ملی و احساسات وطنی، چندان بهره‌ای ندارد؛ برای مثال، شدت اندوهی که از شکست‌های ایرانیان در اشعار قائم‌مقام وجود دارد، هرگز در اشعار صبا و خاوری مشاهده نمی‌شود.

۴. شعری چون سحاب اصفهانی و وصال شیرازی که در ایامی که سرزمین‌های شمالی ایران در تب‌وتاب جنگ می‌سوخت و هم‌وطنانشان پایمال سپاهیان روس بودند، گویی در روزگاری دیگر می‌زیسته، و هیچ واکنشی نسبت به این وقایع از خود نشان

ندادند. دیوان این شاعران که مَثَلِ اعلاى شعرای غیرمتعهدند، فاقد اندیشه‌های نو و مضامین بکر است و شعرشان صرفاً انعکاس ماهرانه‌ای از سخن استادان پیشین است.

۵. شاعرانی از مکتب بازگشت و نحوه واکنش آنها به جنگ‌های ایران و روس

۵-۱. نشاط اصفهانی (متوفا ۱۲۴۴ هـ.ق)

میرزا عبدالوهاب متخلص به «نشاط» به سال ۱۱۷۵ هـ.ق در اصفهان متولد شد. او در ۱۲۱۸ هـ.ق، هم‌زمان با آغاز جنگ‌های ایران و روس، از اصفهان به تهران آمد (آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۲۹). نشاط در جریان جنگ اول ایران و روس، با پیش‌بینی شکست سپاهیان ایران آشکارا مخالفت خود را با این جنگ اعلام کرد و بعدها از طرف دربار فتحعلی‌شاه مأمور تلاش برای عادی‌سازی روابط دولت‌های ایران و روسیه تزاری شد. او در اثر تجربه‌های تلخی که از نتایج جنگ ایران و روس و پیمان‌شکنی دولت‌های اروپایی پیدا کرده بود، سیاست خارجی ایران را به‌شکلی پایه‌ریزی کرد که از آن به «مدارا»، «سازش» و «موازنه» تعبیر می‌شد و بعدها میرزا ابوالقاسم فراهانی و میرزاتقی‌خان امیرکبیر نیز دنباله‌رو همان سیاست شدند.

نشاط که در دوره اول جنگ‌های ایران و روس از طرفداران صلح و سیاست تنش‌زدایی با روسیه بود، با آغاز دور دوم این جنگ‌ها در ۱۲۴۱ هـ.ق مخالفت خود را با آن اعلام کرد، اما در برابر تهدید علمای شیعه که فتوای جهاد داده بودند، مجبور به سکوت شد (حسینی‌شیرازی، ۱۳۸۰: ۶۱۷).

هرچند شاعری چون نشاط، در حوزه‌های اجرایی حکومت حضور داشته و در تصمیم‌گیری‌های جنگی، همواره با او مشورت می‌شده است، اما در دیوانش توصیف وقایع و رویدادهای جبهه‌های نبرد دیده نمی‌شود.

۵-۲. میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی (مقتول ۱۲۵۱ هـ.ق)

میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام متخلص به «ثنایی»، شاخص‌ترین نویسنده و شاعر نیمه نخست قرن سیزدهم هجری است که به دلیل حضور مستقیم در جبهه‌های جنگ ایران و روس،

نقش مهمی در بازتاب این رویداد در شعر فارسی داشته است. او فرزند میرزا عیسی، به سال ۱۱۹۳ هـ ق در هزاوه فراهان اراک متولد شد و پس از فراغت از تحصیلات متداول عصر، به دربار نایب‌السلطنه عباس‌میرزا راه یافت که پدرش وزارت او را برعهده داشت (بهار، ۱۳۷۶: ۱۲۶۲). وی که در دفتر عباس‌میرزا در تبریز به نویسندگی مشغول بود، پس از گوشه‌نشینی پدرش، پیشکاری ولیعهد را بر عهده گرفت و نظمی را که میرزاعیسی فراهانی آغاز کرده بود، تعقیب و با کمک مستشاران فرانسوی و انگلیسی سپاهیان ایران را منظم کرد (آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۶۲).

قائم مقام که در بسیاری از سفرهای جنگی با عباس‌میرزا همراه بود، برخلاف اغلب معاصران خود که در شعرشان به حوادث زمانه اشاره نمی‌کردند، از وقایع روز، به‌ویژه رویدادهای جنگ سخن گفته است. او در شعر، هرچند شاگرد مکتب شعرای قدیم خراسان است اما صاحب ابتکار و تجدد نیز بود؛ همان‌طور که در نثر نیز چنین است. قائم مقام به‌ویژه در اشعاری که می‌خواهد مطلبی را بپروراند، این نوگرایی را به‌کار می‌برد. برای مثال در قصیده «نونیه»، بعد از شکست مجاهدان در آذربایجان که شکست ولیعهد را نیز در پی داشت، چنین می‌سراید (بهار، ۱۳۷۶: ۱۲۷۷):

آه از این قوم بی‌حمیت بی‌دین گرد ری و ترک خمسه و لر قزوبین
عاجز و مسکین هرچه دشمن بدخواه دشمن و بدخواه هرچه عاجز و مسکین
دشمن از ایشان به عیش و شادی و عشرت دوست از ایشان به آه و ناله و نفرین
(فراهانی، ۱۳۶۶: ۱۲۷)

مضمون اصلی اغلب قصاید قائم‌مقام، مسائل اجتماعی-سیاسی و هشدار درباره خطراتی است که کشور را تهدید می‌کرد. وی در یکی از این قصاید با اشاره به خطر تجاوز روسیه، پس از توصیف موقعیت حساس کشور، صراحتاً ولیعهد را از پرداختن به لهو و لعب و غفلت از تکالیف سیاسی خود بر حذر می‌دارد:

شاهدان گرچه لطیف‌اند و ظریف‌اند، ولی این نه هنگام لطایف نه مقام ظرف است
گرگ با گله قرین است؛ چه جای طرب است؟ کفر را رخنه به دین است؛ چه جای شعف است؟
زان که از کشور اسلام کنون چندین شهر به ستم مغتصب است و به جفا معتسف است
(همان: ۳۲)

۵-۲-۱. قائم مقام و طنز سیاسی

استفاده قائم مقام از طنز و هزل، یکی از ویژگی مهم شعرهای سیاسی اوست. این شیوه را قائم مقام کمابیش در منشآت خود نیز به کار برده است. یک نمونه از این اشعار، قصیده‌ای بسیار معروف در هجو اللهیارخان آصف‌الدوله، سرسپرده دولت انگلستان است که میرزا ابوالقاسم در نکوهش و توصیف فرار او از صحنه کارزار تبریز در جنگ دوم ایران و روس، چنین گفته است:

بگریز بهنگام که هنگام گریز است ای خائن نان و نمک شاه و ولیعهد آن صلح به هم برزن و از جنگ به در زن برگشته به صد خواری و بی‌عاری، اینک نه دشمن روس است و نه در جنگ و جهاد است رو در پی جان باش که جان سخت عزیز است حق نمک شاه و ولیعهد گریز است؟ نه مرد نبرد است، زنی قحبه و هیز است باز از پی اخذ و طمع دانگ و قفیز است بل تازه عروس است و پی جمع جهیز است (همان: ۱۷)	
--	--

۵-۲-۲. قائم مقام و پیشنهاد صلح با روسیه

در سال ۱۲۴۲ هـ.ق، فتحعلی‌شاه به منظور برپایی مجلسی مشورتی به آذربایجان رفت تا درباره صلح یا ادامه جنگ با سپاه روسیه رایزنی کند. تقریباً همه دولتمردانی که در آن مجلس حضور داشتند، با ادامه جنگ موافق بودند، جز میرزا ابوالقاسم قائم مقام که با مقایسه توان مالی و نظامی دو طرف، به صلح با دولت روسیه اعتقاد داشت. وی با اشاره به کاستی‌های نظامی و کمی سپاهیان ایران، خطاب به فتحعلی‌شاه از به تعویق افتادن جیره و مواجب چندین ساله سربازان ایرانی، چنین شکایت می‌کند:

کاین جنگ و جدالی که تو در خاطر داری
وین خیل و سپاهی که تو را باشد امروز
امسال سه سال است که این خیل و حشم را
نه جیره و نه جامه و نه مشق و نه سان است
کاری است که بس عمده و دشوار و گران است
با طایفه روس، کجا تاب و توان است
(همان: ۲۴)

نظر قائم مقام مبنی بر صلح و متارکه جنگ، همهمه‌ای در مجلس دولتیان انداخت و جمعی بر وی تاخته و او را به داشتن روابط پنهانی با دولت روسیه متهم کردند. بدین سان قائم مقام از کار برکنار و به خراسان اعزام شد. جنگ با روس‌ها ادامه یافت تا اینکه سرانجام در ربیع‌الثانی ۱۲۴۳ به سقوط تبریز و شکست سپاهیان ایران انجامید.

فتحعلی‌شاه بلافاصله قائم‌مقام را از خراسان احضار، و با اختیاراتنامه عقد صلح به نام ولیعهد، روانه تبریز کرد. میرزا ابوالقاسم در کار صلح با دولت روسیه و عقد معاهده ترکمنچای تلاش کرد و در ضمن این معاهده، تزار را حامی خانواده عباس‌میرزا ساخت (آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۶۳). به موجب قرارداد ترکمنچای، روس‌ها علاوه بر آنچه بر مبنای عهدنامه گلستان در قفقاز به دست آورده بودند، ایروان، نخجوان و بخشی از دشت مغان را نیز به خاک خود ضمیمه کردند و رود ارس سرحد دو کشور شد.

۵-۳. مجمر اصفهانی (متوفای ۱۲۲۵ هـ.ق)

سیدحسین طباطبایی، متخلص به «مجمر» در اواخر قرن دوازدهم هجری در اصفهان متولد شد. هم‌زمان با شروع جنگ‌های ایران و روس، مجمر همراه با نشاط به تهران آمد، اما هنگام ورود آنها به پایتخت، فتحعلی‌شاه برای جنگ به آذربایجان رفته بود. در این زمان، مجمر نیز همراه با نشاط به آذربایجان رفت و در ربیع‌الثانی ۱۲۱۹ در لشکرگاه ایروان به شاه معرفی شد (آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۳۷). او که به همراه اردوی همایون از قراباغ تا ایروان رفته بود، ورود فتحعلی‌شاه به آن شهر و عقب‌نشینی روس‌ها را از آنجا دید (مجمر، ۱۳۴۵: دو). مجمر در این دوره قصاید حماسی خود را که در بردارنده مدح فتحعلی‌شاه، فرمانده اصلی جنگ‌ها بود؛ برای برانگیختن سپاهیان ایران سروده است.

مضمون اغلب قصاید حماسی مجمر بیانگر این واقعیت است که واکنش او نسبت به پیروزی و شکست ایرانیان، نه برخاسته از احساسات وطنی، بلکه کاملاً فرمایشی و چاپلوسانه بوده است. مضمون این نوع از اشعار مجمر غالباً در توصیف حرکت پادشاه و سپاهیان به میدان نبرد و بازگشت آنها به دارالخلافت تهران است؛ از این‌رو، تلقی شعری و تاریخی شاعری چون مجمر که بی‌خبر از اوضاع داخلی جبهه‌ها بوده و سه سال پیش از امضای عهدنامه گلستان در گذشته است، با تلقی شاعری چون میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام که مستقیماً با وقایع جنگ بوده ارتباط داشته، کاملاً متفاوت است.

یکی از اشعار معروفی که مجمر درباره نبردهای ایران و روس سروده، قصیده نسبتاً بلندی است که در آن به توصیف یکی از صحنه‌های جنگ پرداخته است. محیط

طباطبایی در مقدمه دیوان مجمر درباره این قصیده می‌نویسد: «[مجمر] منظره اُسرایِ را که در جنگ روس به دست افتاده و به تهران انتقال داده بودند، طوری زنده و مؤثر بیان می‌کند که در ضمن، حالت اضطراب و وحشت عموم را پیش از بازگشت شاه از ایران و داستان خیانت برخی از سرداران را در سازش با روس‌ها و رفع این نگرانی‌ها را به بهترین صورتی گوشزد می‌سازد. منظره وحشت‌زدگی و پریشانی و مجروحی اسیران را در این ابیات، مانند یک صفحه تذهیب‌شده‌ای با قلم نازک رسم می‌کند» (مجمر، ۱۳۴۵: چهار):

یارب این قوم کدام‌اند گرفتار چنین	نه تو را رحم بر آن و نه مرا رحم بر این
کوچه در کوچه همی تا گذری زار و نزار	خانه در خانه همی تا نگری خوار و حزین
سینه آن یک و بس نوک هزاران خنجر	دیده این یک و بس نیش هزاران زوبین
همش این مویه که آخر نه من از نسل نیال	همش آن ناله که آخر نه من از تخم تکیان
گُرز من بود که بشکست در کالنجر	تیغ من بود که بگشود در قسطنطین
تم اکنون نگر از گرز همی در بستر	سرم ایدون نگر از تیغ همی بر بالین

(همان: ۱۵۰)

یکی دیگر از سروده‌های حماسی مجمر، قصیده‌ای است که بازگشت پیروزمندانۀ فتحعلی‌شاه و سپاهیان او را از میدان جنگ توصیف می‌کند. احتمالاً شاعر با این قصیده، موفق شده است لقب «مجتهدالشعراپی» را از فتحعلی‌شاه دریافت کند:

خواست گردی که منور شد از آن چشم جهان	مگر از کوکب سلطان جهان داد نشان
گردی انداخته بر سطح زمین سایه امن	گردی افراخته بر فرق جهان چتر امان
چرخ کس دیده که از دشنه و تیغش اختر	ابر کس دیده که از تیر و سانش باران
با نهنگان که یکی بحرگداز از خنجر	زان پلنگان که یکی کوه‌گداز از پیکان
خیز و بشنو که ز یک حمله‌شان آمده چون	خیز و بشنو که ز یک صدمه‌شان مانده چسان
روس و روسی همه این خسته و آن بی‌بنیاد	روم و رومی همه این بسته و آن بی‌بنیان
جیش بشکسته و باز آمده نصرت به رکاب	ملک بگشوده و باز آمده دولت به عنان

(همان: ۱۴۴)

ترجیع‌بند ذیل نیز در توصیف مراجعت شاه از میدان رزم و پرداختن به بزم و شادخواری است:

شه آمد و تکیه زد بر اورنگ از رزم به بزم کرده آهنگ

هم ساغر دولتش به کف بر
شاهها پس از اینکه روزگاری
در کنار طرب بکوش اکنون
هم شاهد نصرتش به بر تنگ
جز پیکارت نبود کاری
کأسوده به فکـر کارزاری
(همان: ۲۴۹)

۵-۴. فتحعلی خان صبا (متوفای ۱۲۳۸ هـ.ق)

فتحعلی خان متخلص به «صبا» در سال ۱۱۷۹ هـ.ق در کاشان متولد شد. او که در جوانی شاگرد صباحی بیدگلی، از پیشگامان مکتب بازگشت ادبی بود، ابتدا از مداحان لطفعلی خان زند به‌شمار می‌رفت، اما در ایامی که باباخان (فتحعلی‌شاه بعدی) به فرمانروایی فارس رسید، به او نزدیک شد و تحت تربیت و مراقبت باباخان قرار گرفت. در سال ۱۲۱۱ هـ.ق فتحعلی خان به تهران آمد و در جشن پادشاهی فتحعلی‌شاه قصیده‌غزایی خواند که پسند شاه افتاد و کارش رونق گرفت تا لقب «ملک‌الشعرایی» یافت (آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۲۰-۲۲).

در دوره نخست جنگ‌های ایران و روس، صبا بزرگ‌ترین سراینده دربار قاجار و از جمله شاعرانی بود که فتحعلی‌شاه را در سفرهای جنگی همراهی می‌کرد. در یکی از همین سفرها که برای بازدید از جبهه‌های آذربایجان انجام می‌شد، صبا با عبدالرزاق بیک دنبلی، شاعر و نویسنده هم‌عصرش دیدار کرد (دنبلی، ۱۳۴۲: ۱۷).

فتحعلی خان علاوه بر شاعری، چندین سال حکومت کاشان و قم را در اختیار داشت؛ سپس از حکومت دست کشید و در التزام رکاب بود. او زمانی هم به کلیدداری آستانه قم منصوب شد، اما در اواخر ۱۲۲۳ هـ.ق به علت بیماری و خشک‌سالی که در آن شهر افتاده بود، با اجازه و فرمان شاه به تهران آمد. صبا در ۱۲۲۸ هـ.ق درحالی که فتحعلی‌شاه را در سفر به آذربایجان همراهی می‌کرد، در چند فرسخی زنجان بیمار شد و سفر خود را ناتمام گذاشت. در همین سفر بود که هنگام مراجعت به تهران، از شاه دستور یافت تا کتابی در بحر تقارب به نام *شاهنشاه‌نامه* به نظم درآورد (آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۲۲)؛ *شاهنشاه‌نامه* داستان حماسی به روال *شاهنامه* فردوسی، در چهل هزار بیت و در ذکر وقایع پادشاهی فتحعلی‌شاه و جنگ‌ها و فتوحات عباس‌میرزاست. این اثر از حیث

انعکاس نظر و عقیده رسمی دولت ایران درباره همسایه شمالی، بسیار قابل توجه است. آراین پور در توصیف شعر صبا می گوید: «در هیچ جا دشمن را خرد و حقیر نمی شمارد، بلکه همیشه او را نیرومند و توانا نشان می دهد و چون ایرانیان سرانجام بر چنان حریف سرسخت و پر زور پیروز می شوند، به فتح و غلبه خود بیشتر می بالند» (همان: ۲۴). صبا در بخشی از مثنوی بلند *شهنشاهنامه* که گزارشی از وقایع جنگ ایران و روس است، بدین سان سپاهیان تزار و فرمانده آنها ژنرال سیسیانوف، معروف به «اشپخدر» را توصیف می کند:

به پرخاش ژولیده مویان روس	به نالش درآورده غرنده کوس
همه دیوساران جادوسگال	ز روی و ز آهن، بر و بُرز و یال
همه گرسنه گرگ آشفته سر	دریده جگرگاه شیمران نر
به قلب اندر اشپخدر تیز چنگ	چو غران پلنگ و چو پیچان نهنگ

(صبا، ۱۲۳۸ ق: ۴۲۱)

و اشپخدر با چنان لشکر و ساز و برگی، در برابر سپاه عباس میرزا که برای بازپس گیری گنجه در ذیحجه ۱۲۱۸ روانه آذربایجان شده بود، بر خود می لرزد:

چو اشپخدر آن دیو پرخاشجو	شد آگاه در گنجه از رأی او
تنش گشت لوزان و لب پرفسوس	شده بستدین چهر چون سندروس
همی گفت: بر امپراطور، بخت	دژم شد که بادش نگوئسار تخت
بسی گفتم ایران نه هند است و روم	ندیده کسی کام از آن مرز و بوم
ز گفتار ایمران فروبند دم	مکن بخت فیروز بر خود دژم

(همان: ۴۵۰)

۵-۵. خاوری شیرازی (متوفای ۱۲۶۶ هـ.ق)

میرزا فضل الله شریفی حسینی متخلص به «خاوری» در سال ۱۱۹۰ هـ.ق در شیراز متولد شد. وی ابتدا ندیم مخصوص حسینعلی میرزا فرمانفرما بود و بعد از رفتن به تهران، به خدمت صدراعظم، میرزا محمد شفیع مازندرانی درآمد. خاوری بعد از معرفی به فتحعلی شاه، به جمع منشیان دیوان او پیوست (حسینی شیرازی، ۱۳۸۰: سی و سه).

اثر معروف خاوری، *تاریخ دولقرنین* است که به حوادث سال های ۱۲۱۲ تا ۱۲۵۰ هـ.ق پرداخته و یکی از منابع مهم برای مطالعه رویدادهای عهد فتحعلی شاه قاجار است.

جلد نخست این کتاب که به نامۀ *خاقان* معروف است و از آغاز تاریخ قاجاریه تا وقایع سال ۱۲۴۲ هج را شامل می‌شود، مأخذی مطمئن برای بررسی جنگ‌های ایران و روس است. روایت مؤلف که در مقطعی از این نبردها همراه با فتحعلی‌شاه در میدان کارزار بوده، از حیث بررسی جزئیات حوادث جنگ بسیار مفید است. خاوری دیوانی پنج هزار بیتی نیز دارد که عمدتاً شامل مدح و عشق و توصیف است، اما برای بررسی بازتاب وقایع جنگ ایران و روس در شعر عصر قاجار، باید به کتاب *تاریخ ذوالقرنین* مراجعه کرد. بیشتر قطعاتی که خاوری در این کتاب در شرح وقایع جنگ سروده، حاوی ماده تاریخ‌هایی است که معمولاً در یکی دو بیت آخر، تاریخ موردنظر ذکر می‌شود و ابیات پیش از آن، غالباً برای مقدمه است؛ برای مثال، شاعر زمان ورود و مداخله روس‌ها را در سرحدات ایران به صورت ماده تاریخ، این‌گونه بیان می‌کند:

خدایا تو آسمان بکن کار خلق	بدا زندگانی که مشکل بود
بنی اصف‌ر آمد به ایران زمین	از این آمدن تا چه حاصل بود
ندانم چه گویم از این ماجرا	در این داستان طبع کامل بود
به تاریخ آن زد رقم خاوری	به ایران ما روس داخل بود

(حسینی شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۸۵-۱۸۶)

روس‌ها در رمضان ۱۲۱۸ به فرماندهی سیسیانوف، به گنجه حمله کردند. قشون آذربایجان از طرف فتحعلی‌شاه مأمور به امداد شد، اما پیش از آن، قلعه گنجه به محاصره سپاهیان روس درآمد. جوادخان زیادلوی قاجار به سختی در مقابل سیسیانوف مقاومت کرد، لیکن در نهایت شهر گنجه در اول شوال ۱۲۱۸ سقوط کرد و جوادخان به شهادت رسید. خاوری گزارش این ماجرا و تاریخ قتل جوادخان را این‌طور به نظم آورده است:

قتل جواد خانِ نکونام از اُرس	در گنجه گشت واقع و نامی بماند از آن
در راه دین چو عاقبت ای دل شهید گشت	باشد مقام و مسکنش آماده در جنان
می‌جست سال قتل وی از طبع خاوری	اندیشه گفت وای ز قتل جواد خان

(حسینی شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۹۴)

خاوری همچنین در تاریخ قتل سیسیانوف که در ذیحجه ۱۲۲۰ در نزدیک قلعه باکو و به دست شخصی به نام ابراهیم‌بیگ اتفاق افتاد، چنین می‌سراید:

شد در آذربایجان مقتول آن سردار روس خوانده شد بر قاتل وی صدهزاران آفرین
آن به نام ایشپخدر ملعون که بودی در جدال ثانی اسفندیار و رستم و طغرل تکین
ثانی نمود بود و کشته ز ابراهیم شد گشت اگر نمود ابراهیم را از فرط کین
از خرد کردم سؤال قتل او حیران‌صفت در جوابم گفت تاریخش بلی ایشپخدر این
(حسینی شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۳۹)

خاوری درباره حمله روس‌ها به قلعه لنکران و تشدید حملات آنها به ایران بعد از عقب‌نشینی ناپلئون از مسکو، اشعاری دارد که حاوی نکات مهم تاریخی است. امپراتور فرانسه که براساس معاهده تیلسیت (۱۸۰۷ میلادی) پیمان عدم تعرض به روسیه را امضا کرده بود، در ۲۴ ژوئن ۱۸۱۲ با ارتشی بزرگ به خاک این کشور حمله کرد. سرعت پیشروی ناپلئون در آغاز این حمله باورنکردنی بود؛ به طوری که سپاهیان وی در سپتامبر ۱۸۱۲ / رمضان ۱۲۲۷ یعنی کمتر از سه ماه خود را به مسکو رساندند. سربازان روس که ضمن عقب‌نشینی شهر را آتش زده بودند، فرانسوی‌ها را در مسکو بدون آذوقه گذاشتند. با فرارسیدن زمستان و کمبود تدارکات و آذوقه، ناپلئون ناچار از روسیه عقب‌نشینی کرد، ولی در بین راه، سرما و گرسنگی و حملات پی‌درپی روس‌ها، صدها هزار نفر از سربازان فرانسوی را از پای درآورد. پیروزی روسیه در این جنگ، به سپاهیان در جبهه‌های قفقاز و آذربایجان جان تازه‌ای بخشید و باعث شد سیاست‌های تهاجمی دولت تزار علیه ایران شدت یابد. هم‌زمان با از سرگیری حملات روسیه، قلعه دفاعی ایران در لنکران در زمستان ۱۲۲۸ هجری سقوط کرد و به این ترتیب، روس‌ها مجدداً بر منطقه تالش مسلط شدند. خاوری در توصیف این واقعه و کشتار بی‌رحمانه ساکنان قلعه لنکران به دست سپاهیان روس می‌گوید:

آه آه از جور روس بدنهاد
شام تاسوعا در آن دلکش حرم
از مسلمانان بسی شد کشته حیف
آسمان گر خون ببارد زین عزا
خاوری تاریخ این قتل جدید
وای وای از قتل قلعه لنکران
کربلایی شد به پا از هر کران
أف به قوم روسی خذلان نشان
نیست این معنی غریب از آسمان
گفت تاسوعا نه عاشورا بدان
(حسینی شیرازی، ۱۳۸۰: ۳۵۱)

۵-۶. عبدالرزاق بیک دنبلی (متوفای ۱۲۴۳ هـ.ق)

عبدالرزاق بیک متخلص به «مفتون» از سخن‌سرایان آذربایجان در سال ۱۱۷۶ هـ.ق در شهر خوی به دنیا آمد. وی که فرزند نجفقلی‌خان، حکمران تبریز بود، در ده سالگی به‌عنوان گروگان به شیراز نزد کریم‌خان زند برده شد و چهارده سال در آنجا تحت‌نظر بود تا اینکه علیمرادخان، شیراز را تسخیر کرد و گروگان‌های آذربایجان را به اصفهان فرستاد. در ۱۴ ربیع‌الاول ۱۱۹۹ علیمرادخان درگذشت و آقامحمدخان به اصفهان آمد و زندانیان آذربایجان، از جمله عبدالرزاق بیک را به آن دیار فرستاد. او در آذربایجان به کسب کمالات و تألیفات مشغول بود تا در زمان عباس‌میرزا نایب‌السلطنه به منصب استیفاء و شغل نویسندگی ارقام دیوانی نایل آمد (آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۱۸۷).

مآثر سلطانیه، اثر عبدالرزاق بیک که مشتمل بر وقایع سلطنت فتحعلی‌شاه از زمان جلوس تا ۱۲۴۱ هـ.ق است، ظاهراً نخستین کتابی است که در تاریخ سلسله قاجاریه نوشته شده و بیانگر وقایع جنگ نخست ایران و روس است. نثر این کتاب که با اشعار حماسی آمیخته است، گرچه با عباراتی پیچیده و مغلق نوشته شده، از نظر آگاهی‌بخشی درباره‌ی اوایل کار سلسله قاجار تألیف مفیدی است (همان: ۱۸۷). عبدالرزاق بیک که در نثر می‌توان او را از بزرگان پارسی‌زبان شمرد، در شعر «مفتون» تخلص می‌کرد و به شیوه متقدمان به شعرای عراقی و سلجوقی متمایل بود (بهار، ۱۳۷۶: ۱۲۳۶).

در شوال ۱۲۲۳ گداویچ (Godawitch) که بعد از مرگ سیسیانف فرمانده سپاهیان روسیه شده بود، به‌طور ناگهانی به ایروان حمله کرد. او که با نیرویی ده هزار نفری و توپخانه سنگین در تلاش برای تسخیر قلعه ایروان بود، سرانجام ناکام ماند و از نگاهبانان قلعه به‌سختی شکست خورد (حسینی‌شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۸۸). عبدالرزاق بیک شرح این واقعه و توصیف کشته‌شدگان روس را این‌طور به قلم آورده است:

همه روسی افتاده در خون و خاک	ز سرنیزه‌ها سینه‌ها چاک چاک
بدن‌های مردان ز شمشیر تیز	همه لخت لخت و همه ریز ریز
شد از کاوش خنجر آگون	ز دیوار قلعه روان جوی خون
ز تیغ دلبران در آن رستخیز	پر از کشته شد خندق و خاک‌ریز

(دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۰۴-۲۰۳)

۶. اهمیت حضور شاعران عصر بازگشت در مسائل و مشکلات کشور

تقریباً در میان همه ادوار شعر کلاسیک فارسی، میزان حضور شاعران عصر بازگشت در مسائل و مشکلات کشور، بی سابقه است. همان طور که در این جستار مشاهده شد، شاعران این دوره از جمله قائم مقام، نشاط و صبا، نقش مهمی در تصمیم گیری های دولت فتحعلی شاه ایفا کردند؛ و هر کدام از آنها علاوه بر مقام شاعری، عهده دار مناصب حکومتی چون وزارت و حکومت بر ایالات نیز بودند.

۷. نتیجه

وقوع جنگ ایران و روس، شعر عصر قاجار را به تجربه ای جدید در ورود به مسائل اجتماعی- سیاسی و واکنش به حوادث مهم عصر واداشت. تا پیش از شروع این جنگ ها، شاعران عهد فتحعلی شاه که پیشگامان شعر بازگشت به شمار می آمدند، عموماً در دیوان های خود سرگرم مدح و ستایش شاه و شاهزادگان قاجار بودند، اما با شروع اشغالگری روس ها، برخی از آنها در برابر این پدیده شوم، چنان واکنش تحسین برانگیزی از خود نشان دادند که فصل تازه ای در شعر فارسی عصر قاجار پدید آمد. گرچه سبک بیان این شاعران در توصیف وقایع جنگ، تابع سبک فردوسی و سایر حماسه سرایان بزرگ خراسان است، مضامین اشعار برخی از آنها با یکدیگر تفاوت دارد. اشعار حماسی میرزا ابوالقاسم قائم مقام که شکست های ایرانیان را دردمندانه به تصویر می کشد، در مقابل اشعار مجمر که به اقتفای فرخی سیستانی، صرفاً فتوحات محمودوار فتحعلی شاه را برمی شمرد، بیانگر دو واکنش متضاد شاعران مکتب بازگشت نسبت به پدیده جنگ ایران و روس است.

منابع

- آبادیان، حسین (۱۳۸۰)، *روایت ایرانی جنگ های ایران و روس*، تهران، وزارت امور خارجه.
- آرین پور، یحیی (۱۳۷۹)، *از صبا تا نیما*، جلد اول، چاپ هفتم، تهران، زوار.
- براتی فریزه نندی، مریم (۱۳۸۷)، *تاریخ جنگ های روسیه و ایران*، تهران، کتاب پارسه.
- بهار، محمد تقی (۱۳۷۶)، *سبک شناسی (تاریخ تطور نثر فارسی)*، جلد سوم، چاپ نهم، تهران، مجید.

بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۷۱)، *ادبیات در جنگ‌های ایران و روس*، تهران، حوزه هنری.
بیانی، خان‌بابا (۱۳۱۷)، *تاریخ دیپلماسی ایران - سیاست ناپلئون در ایران*، تهران، شرکت کتاب.
حسینی شیرازی، فضل‌الله (۱۳۸۰)، *تاریخ ذوالقرنین*، تصحیح ناصر افشارفر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

دنبلی، عبدالرزاق بن نجفقلی (۱۳۸۳)، *مآثر سلطانیه*، تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، روزنامه ایران.

_____ (۱۳۴۲)، *نگارستان دارا*، به کوشش عبدالرسول خیام‌پور، تبریز، بی‌نا.
دهقان‌نژاد، مرتضی (۱۳۹۰)، «واکاوی آغاز دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه»، *مطالعات تاریخ اسلام*، ش ۱۰، پاییز، ۳۷-۵۶.

زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۹۰)، «موافقت‌نامه گلستان، قرارداد متارکه جنگ یا عهدنامه قطعی»، *مطالعات تاریخ اسلام*، سال سوم، ش ۸، بهار، ۷۷-۱۰۱.

سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷)، *ناسخ‌التواریخ (تاریخ قاجاریه)*، به اهتمام جمشید کیانفر، جلد اول، تهران، اساطیر.

سیف، عبدالرضا (۱۳۸۲)، *ادبیات پایداری در جنگ‌های ایران و روس*، تهران، جهاد دانشگاهی واحد تهران.

_____ (۱۳۸۲)، «نقش علما در پیدایش ادب جهادی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۶۵، بهار، ۷۳-۸۸.

صباکاشی، فتحعلی‌خان (۱۲۳۸ ق)، *شهنشاه‌نامه (نسخه خطی)*، شماره ۴۵۷۳، ج ۲، مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران.

طاهری خسروشاهی، محمد (۱۳۸۸)، *فصل‌های تاریکی (جنگ‌های روس با ایران در شعر فارسی)*، تهران، تمدن ایرانی.

غفاری، ابوالحسن (۱۳۷۸)، «تحلیل تاریخی نبردهای فرانسه و روسیه در زمان ناپلئون بناپارت»، *تاریخ روابط خارجی*، ش ۱، زمستان، ۱۲۳-۱۲۸.

فراهانی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۶۶)، *دیوان اشعار*، به اهتمام بدرالدین یغمایی، تهران، شرق.
مجمر، حسین (۱۳۴۵)، *دیوان*، به کوشش محمدمحیط طباطبایی، تهران، کتاب‌فروشی خیام.

محمود، محمود (۱۳۵۳)، *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم*، جلد اول، تهران، اقبال.
وقایع‌نگار، محمدصادق (۱۳۶۹)، *آهنگ سروش (تاریخ جنگ‌های ایران و روس)*، به اهتمام و تصحیح

حسین آذر و امیرهوشنگ آذر، تهران، ناشر مصحح.

هوشنگ‌مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۹) *تاریخ روابط خارجی ایران*، تهران، امیر کبیر.